

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.36, No.4

Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

214

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

ایلیا گرشویچ / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب زاده
الیو برانکافورته / روزچهر مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانیینو / لیلی وهرام
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره‌ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه‌های فرنک ناصرالدین شاه در
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ولیک (۳)
سخنان حکمت آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه‌ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم کن؛ گزارش بیتی از حافظ
آینه‌های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۶)
اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب شناسی دبیرستان البرز تهران

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش:

♦ قنیه الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



یادنامه استاد موسی اسوار

مدیر گروه پژوهش های زبانی و ادبی فرهنگستان زبان و ادب فارسی | مریم حسینی

| ۵۳۱ - ۶۱۰ |

۵۳۱

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي

پروردگارا! شرح صدرم عطا فرما، کار مرا برایم آسان گردان، گره از زبانم بگشای تا سخنم را نیکو فهم کنند.

با دعای موسی خطاب به پروردگار، سخن را آغاز می‌کنم تا توان سخن گفتن از موسی را برایم آسان گرداند.

طوى الجزيرة، حتى جاءنى خبرٌ فَرِغْتُ فيه بآمالى الى الكذبِ
حتى إذا لم يدع لى صدقهُ أَمَلًا شَرِقتُ بالدمع حتى كادَ يَشْرِقُ بى

چون خبر مرگ او از میانرودان گذشت و به من رسید، امید داشتم دروغ و ناراست بود.

چون درست آمد و امیدم از دست بشد، چندان نفسم از گریه بند آمد که نزدیک بود خود نفسم اشک بند آید.

۵۳۳

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

درگذشت استاد استادان زبان و ادبیات عرب استاد موسی اسوار را به خانواده ایشان و جامعه علمی و فرهنگی کشور تسلیت عرض می‌کنم. ناباورانه خبر را شنیدیم و بر ازدست رفتن مصاحبتش اندوه بسیار خوردیم، اما شکیبایی پیشه خواهیم کرد؛ زیرا حضور او همواره از طریق میراثی که برای ما باقی گذاشته ادامه خواهد یافت. مرگ او مرگ عاشقان است. الموتُ جسرٌ یوصل الحبيبَ إلى الحبيبِ.

دوست بر دوست رفت و یار بر یار خوب تر اندر جهان ازین چه بود کار؟

استاد اسوار در طول زندگانی خویش عاشقانه زیست. او در مصاحبه‌ای گفته بود که اگر دوباره فرصت زیستن می‌یافت، باز همین طریق ادبیات را برمی‌گزید. استاد اسوار شیفته ادبیات بود. ادبیات عربی و فارسی را از کودکی آموخته و در فضای شعر سعدی و مثنوی، محمود درویش و بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه و نیما یوشیج و شاملو پرورش یافته بود. اسوار پلی استوار میان دو فرهنگ و ادب فارسی و عربی بود.

اسوار همچنین با ادبیات انگلیسی آشنایی داشت؛ چنان‌که کتاب‌هایی را از زبان عربی و انگلیسی به زبان فارسی و یا از زبان فارسی به عربی برگردانده بود و نیز شجاعت انتشار کتاب‌های دوزبانه و چندزبانه را داشت، که بسیار برای آموزش زبان به کار می‌آیند. کتاب

چکامه‌های متن‌بَی نمونه‌ی یکی از آثار استاد اسوار است که ترجمه از زبان عربی و انگلیسی در آن هم‌زمان صورت گرفته است. او چکامه‌های متن‌بَی را، که آربری به انگلیسی ترجمه کرده بود، از زبان عربی به فارسی برگرداند و مسامحات وی را در ترجمه انگلیسی گوشزد کرد.

کتاب چکامه‌های متن‌بَی اثری سه‌زبانه است؛ متن عربی شعر متن‌بَی به همراه ترجمه اصلاح‌شده آربری و ترجمه عربی استاد اسوار. استواری ترجمه و صحت و دقت آن به کنار، نثر زیبا، فخیم و ویراسته ایشان مایه حیرت خوانندگان است. به یاد دارم آن هنگام که کتاب را از ایشان به رسم هدیه دریافت کردم و برای خواندن در دست گرفتم، شوق ادامه مطالعه آن ساعت‌ها مرا به خود مشغول داشته بود و از سختگی و بایستگی متن، که نتیجه سال‌ها تجربه مترجمی و ویراستاری نویسنده‌اش بود، شگفت‌زده شدم.

موسی اسوار تسلطی قابل‌توجه بر دو زبان فارسی و عربی داشت، که طبعاً زاده‌شدن و بعد پرورش یافتن در محیطی عربی و سپس زندگی و ادامه تحصیل در ایران و به دست آوردن تجربه فراوان در ترجمه و ویرایش دلیل اساسی آن بود. او به مشکلات مفهومی و ساختاری در فرآیند ترجمه متون به خوبی واقف بود. نتیجه عمر هفتادودو ساله استاد اسوار شمار قابل‌توجهی ترجمه از آثار شخصیت‌های بنام شعر قدیم و معاصر عربی مانند متن‌بَی، آدونیس، جبران و درویش و نیز داستان‌ها و رمان‌هایی از غسان کتفانی تا نویسنده عراقی، غائب طعمه فرمان، بوده، که در این ویژه‌نامه برخی از آنها معرفی و مورد بررسی و تحلیل منتقدان قرار گرفته است.

سرنوشت چنین رقم زده بود که استاد اسوار خیلی زود رخت از این دنیای فانی بگیرد و به جهان باقی بشتابد. او از میان ما رفت؛ اما دوستان وی با نگارش مقاله‌هایی در نقد و بررسی آثار استاد برای نشان دادن صحنه‌ای از توانایی‌های وی در امر ترجمه و انتخاب آثار مقالاتی نوشتند که در این ویژه‌نامه پیش‌روی شما قرار گرفته است. به عنوان یکی از همکاران استاد اسوار از برخی دوستان و همراهان ایشان درخواست کردم در مورد یکی از آثار ایشان مقاله‌ای بنویسند تا در جلسه‌ای که برای بزرگداشت و یادکرد اهمیت حضور ایشان در حوزه ادبیات و فرهنگ عربی و فارسی برگزار خواهیم کرد از آن بهره ببریم و در ویژه‌نامه‌ای به نام و یاد ایشان منتشر کنیم. همگی با اشتیاق فراوان استقبال کردند و در موعد مقرر مقاله‌ها را به دست ما رساندند و آن مجموعه با تنوع نگاه نویسندگان بر آثار گوناگون استاد فراهم آمد.

از استاد موسی بیدج، که از مترجمان بنام ادبیات عربی و همکاران و همراهان قدیم استاد اسوار بود، درخواست کردیم تا مقاله‌ای در مورد یکی از آثار استاد بنویسند. مقاله ایشان با عنوان «یادی از

مترجمی توانا» آشکارا بیانگر جایگاه ممتاز و ارزشمند اسوار در فنّ ترجمه است. ایشان در مقاله‌شان درباره هنرمندی اسوار در کتاب از سرود باران تا مزامیر گل سرخ نوشتند و با ذکر شرایط یک مترجم خوب، که عبارت است از اشراف به زبان مبدأ، تسلط به زبان مقصد، آشنایی با فرهنگ هر دو زبان و داشتن تخصص در زمینه متن اصلی، اذعان می‌کند که اسوار تمام این ویژگی‌ها را دارا بود و علاوه بر آن با داشتن روحیه شاعرانه توانایی لازم برای ترجمه اشعار شاعرانی چون نزار قبانی (۱۹۲۳-۱۹۹۸م)، محمود درویش (۱۹۴۱-۲۰۰۸م) و ادوینیس (علی احمد سعید اسبر، ۱۹۳۰م-) را داشت. کتاب از سرود باران تا مزامیر گل سرخ به زندگی‌نامه مختصر و تعدادی از سروده‌های هفده شاعر مدرن عرب پرداخته است. مقدمه مفصل یک صد صفحه‌ای کتاب از امتیازات آن است. بیدج در این مقاله به بیان نکته‌سنجی‌های اسوار در فراهم آوردن این مجموعه شعر پرداخته است.

شکوه حسینی استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و از مترجمان ادبیات عربی نگاهی به کتاب ادبیات و تاریخ‌نگاری آن با ترجمه اسوار دارد. کتاب ادبیات و تاریخ‌نگاری آن، که در سال ۱۳۹۵ش در انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی به چاپ رسید، برگردان مقدمه طه حسین بر کتاب فی الأدب الجاهلی (۱۹۲۷م) است. حسینی با روشی منتقدانه نشان می‌دهد که چگونه اسوار با «غریب‌زدایی» از بخشی از متن مبدأ، آن را از بستر منازعه برانگیز اصلی خود در جامعه مصر جدا ساخته و به جستاری روشنمند درباره کلیت تاریخ‌نگاری ادبیات بدل کرده است و در سطح واژگان، با «آشنایی‌زدایی» و به‌کاربردن واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی عربی، متن را به الگویی مناسب برای پژوهشگران ادبیات در ایران در زمینه تاریخ ادبیات نگاری تبدیل کرده است.

امید طبیب‌زاده استاد گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و از اعضای شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، که از دوستان قدیم استاد اسوار است و در داوری کتاب‌های برگزیده جایزه استاد ابوالحسن نجفی با وی همکاری کرده، مقاله «موسی اسوار و مجموعه داستان تا هر وقت که برگردیم، اثر غسان کنفانی» را نوشت. طبیب‌زاده در این مقاله داستان‌های مجموعه را تحلیل موضوعی و محتوایی می‌کند و نشان می‌دهد که اسوار چگونه از قلم و هنر ترجمه‌اش برای مبارزه با صهیونیست‌ها استفاده می‌کرده است. طبیب‌زاده در ابتدای مقاله می‌نویسد: «هیچ بحثی درباره استاد موسی اسوار وافی به مقصود نخواهد بود اگر از دیدگاه‌های وی درباره مسئله فلسطین و اسرائیل غفلت شود. از دوستی شنیدم که او در جوانی می‌خواست به مبارزان فلسطینی بپیوندد؛ اما این امر آن‌گونه که می‌خواست محقق نشد، پس راه‌های دیگری را برای مبارزه برگزید. ترجمه او از داستان‌های کوتاه غسان کنفانی، نویسنده و

روشنفکر مبارز فلسطینی، در مجموعه تا هر وقت که برگردیم، مبین تداوم همان افکار روشنفکرانه و آرمان‌گرایانه دوران جوانی وی است».

آریا طبیب‌زاده، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، که به نوعی شاگرد استاد اسوار بوده و انتشار برخی مقاله‌ها و کتاب‌هایش را مرهون مساعدت‌های او می‌داند، در مقاله «میراث استاد موسی اسوار در ترجمه اشعار متنّبی و عربیّات سعدی»، به نمایش هنرنمایی‌هایی اسوار در ترجمه اشعار متنّبی و سعدی پرداخته و مقاله‌ای عالمانه در نقد و معرفی ارزش‌های سه اثر او به دست داده است.

موسی اسوار جز اینکه بر زبان و ادبیات عربی و فارسی مسلط بود، ادبیات کلاسیک و معاصر هر دو زبان را خوب می‌شناخت. کتاب‌های اشعار عربی سعدی (۱۳۹۰ش)، شکوه متنّبی (۱۳۹۵ش) و چکامه‌های متنّبی (۱۴۰۰) سه اثر از اسوار هستند که آریا طبیب‌زاده در مقاله‌اش در مورد شیوه‌های زیباشناسانه ترجمه اسوار در آنها سخن گفته است. طبیب‌زاده با زبانی عربی‌مآبانه، که به امثال و اصطلاحات عربی متحلّی است، قلیلی از کثیر و غیضی از فیض اسوار در ترجمه را نشان می‌دهد.

۵۳۶

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

آبتین گلکار دانشیار گروه زبان و ادبیات روسی دانشگاه تربیت‌مدّرس، که سال‌ها همکار استاد اسوار در گروه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بوده است، تحلیلی منتقدانه از رمان درخت‌ها و قتل مرزوق دارد که با عنوان «رؤیای عربی در درخت‌ها و قتل مرزوق» در میان مقاله‌های این مجموعه جای گرفته است. گلکار با نکته‌سنجی در فضای داستان درخت‌ها و قتل مرزوق به مقایسه تطبیقی آن با اصطلاح «رؤیای امریکایی» می‌پردازد؛ دو اصطلاح که برآمده از دو فضای کاملاً متفاوت و متضاد است: یکی مربوط به جهانی است که مردمانش از آرزو داشتن و رؤیادیدن عاجز شده‌اند و سرزمین خود را نفرین شده و محکوم به شکست می‌پندارند و دیگری ناظر به جامعه‌ای است که هدفش پیشرفت سریع و نگاهی روشن به آینده است. در رؤیای امریکایی «زندگی هر شخص باید با فرصت‌هایی که به او بنا بر قابلیت‌ها یا موفقیت‌هایش و فارغ از طبقه اجتماعی‌اش داده می‌شود بهتر، غنی‌تر و کامل‌تر شود». گلکار نشان می‌دهد که چگونه مردمی که در جهان سوم و در میانه خاورمیانه زندگی می‌کنند فاقد رؤیادری‌هایی برای آینده‌ای روشن و رو به پیشرفت هستند.

نرگس قندیل‌زاده، مترجم زبان عربی، رمان پنج صدا را برای معرفی و تحلیل برگزید و در مقاله «سنگر مقاومت یا مجلس شراب؟ نمایش چهره عریان روشنفکران دهه ۵۰ بغداد در رمان پنج

صدا» تلاش کرده است تا چهره روشنفکران عراقی دهه پنجاه عراق را نمایش دهد. در رمان پنج صدا نوشته غائب طعمه فرمان، که روایت زندگی پنج روشنفکر در دهه پنجاه در بغداد را روایت می‌کند، استیصال و بیچارگی موج می‌زند. جهان آن‌ها جهان متحجر رو به عقب است، که روزنه‌ای امید برای گشایش و ره‌ایش از آن دیده نمی‌شود. طغیان دجله در این سال بر بدبختی‌های مردمان می‌افزاید و نمادی از فلاکت سرریزشونده این مردم است. موسی اسوار با ترجمه این رمان به تحلیل زندگی روشنفکران عراقی در سال‌های اشغال پرداخته است. او با ترجمه این آثار تلاش می‌کند تا دشواری انسانی زیستن در جامعه‌ای را نشان دهد که سیاستمداران آن، به جای پیمودن مسیری برای رفاه و آسایش مردم و طبقات مختلف اجتماع، در جهت منافع حاکمان و صاحبان قدرت پیش بروند.

بنده، مریم حسینی، نیز به عنوان یکی از همکاران استاد اسوار، در مقاله «فرودستان از ساحل دجله تا لب کارون، مقایسه تطبیقی رمان درخت نخل و همسایه‌ها از غائب طعمه فرمان و همسایه‌ها از احمد محمود»، متوجه شباهت فراوان میان دو رمان بزرگ ادبیات عربی و فارسی شدم؛ دو رمان با عنوان‌هایی تقریباً همانند، که برآمده از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشابهی است که دو نویسنده یعنی غائب طعمه فرمان و احمد محمود در آن می‌زیستند. هر دو نویسنده با توصیف زندگی مردم در خانه‌هایی کاروانسرامانند فرودستی و تنگدستی و فقر و بیکاری این خانواده‌ها را به نمایش می‌گذارند. اما تمایز آشکاری نیز میان رمان طعمه فرمان و محمود وجود دارد و آن در چگونگی روند رشد شخصیت‌های اصلی داستان است. اگر زندگی دو پسر جوان دو رمان را، که در شرایط مشابهی در فقر و نیستی زندگی می‌کنند، مقایسه کنیم متوجه شخصیت روبه‌رشد خالد در رمان همسایه‌ها می‌شویم. اما حسین، که خانه‌اش را فروخته و تمام هستی‌اش برباد رفته است، دستش به خون آلوده می‌شود؛ سرانجامی تراژیک و دردآور برای مردمی که همه تلاش‌هایشان به نابودی و اضمحلال ختم می‌شود. اما در رمان همسایه‌های احمد محمود، خالد در پی آشنایی با گروه‌های چپ‌گرا به هسته اصلی مبارزات علیه اشغالگران می‌پیوندد و در تلاش برای ملی کردن صنعت نفت به زندان می‌افتد. در رمان محمود، صدای اعتراض همه شخصیت‌های داستان شنیده می‌شود. صداها بلند و بلندتر می‌شود و به تظاهرات مردمی می‌انجامد، درحالی‌که در رمان طعمه فرمان اعتراضات اندک و محدودی از برخی شخصیت‌های رمان مشاهده می‌شود که آن هم در برابر صدای طرفداران انگلیسی‌ها، که کاسبان زمان تحریم و قحطی و اشغال هستند، خاموش می‌شود. همان‌طور که پیش از این هم اشاره شد در رمان پنج صدا هم طعمه فرمان از انفعال و سرخوردگی روشنفکران عراقی سخن رانده است.

در ابتدای این مجموعه نیز مقاله‌ای در مورد استاد اسوار و سابقه فعالیت‌های علمی و پژوهشی و اجرایی‌اش جای گرفت. دکتر آینه بیدگلی عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و از همکاران استاد اسوار در مقاله «مروری بر زندگی و آثار زنده‌یاد استاد موسی اسوار» به این مهم پرداخت. در این مقاله به اختصار زندگی پرنشیب و فراز موسی اسوار و تلاش‌های وی در طول زندگی برای اعتلای فرهنگ و ادب پرداخته شده است.

در اینجا لازم می‌دانم از تمامی کسانی که در فراهم آوردن این مجموعه همکاری کردند و برای برگزاری شایسته مراسم بزرگداشت استاد اسوار از هیچ تلاشی فروگذاری نکردند تشکر کنم. از دکتر غلامعلی حدّاد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و آقای دکتر دبیرمقدم، معاون علمی - پژوهشی فرهنگستان که در تمام مراحل از هیچ‌گونه مساعدتی دریغ نکردند، از آقای دکتر یاری و همکاران ایشان در روابط عمومی و همکاران دیگر فرهنگستان، که مرا در به انجام رساندن این مجموعه همراهی کردند، سپاسگزاری می‌کنم. از دکتر آینه بیدگلی و دیگر پژوهشگران گروه پژوهش‌های زبانی و ادبی هم برای ویراستاری مجموعه سپاسگزارم.

در پایان می‌خواهم با کلام متنبتی و اسوار قلم را لختی بگریانم. ابیاتی از متنبتی را با ترجمه استاد اسوار در رثای او می‌آورم.

و تَقْتُلُنَا الْمُنُونُ بِلا قتال	نُعَدّ الْمَشْرِفِيَّةَ وَالْعَوَالِي
ولكن، لاسبيل الى الوصال	وَمَنْ لَمْ يَعشِقِ الدُّنْيَا قَدِيمًا؟
نصیبک فی منامیک من خیال	نصیبک فی حیاتیک من حبیب
قُبیلَ الفقدِ مفقود المثل	وَأَفْجَعُ مَنْ فَقَدْنَا مَنْ وَجَدْنَا

ما شمشیرها و نیزه‌ها مهیا می‌کنیم، و مرگ بی هیچ پیکاری در کاممان می‌گیرد.
کیست که از دیرباز به جهان دل نبسته باشد؟ لیکن وصال آن دیر نمی‌پاید.
از یار، تو را در زندگی تنها همان بهره است که از خیال او در خواب می‌بینی.
دردناک‌تر آنکه پیش از فقدان، فقید را نظیر و مانندی نیافته باشیم.

مریم حسینی